

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 6, Summer 2021, 47-72  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.33181.2002

**A Critical Review on the Book**  
***Dissection of ISIL: Essence,***  
***Organizational Structure, Inductions and Results***

Seyyed Motahareh Hosseini\*

Razieh Mousavifar\*\*, Fatemeh Eidi\*\*\*

**Abstract**

The book, *Dissection of ISIL: Essence, Organizational Structure, Inductions and Results*, written by Seyed Ali Nejat, tries to say anything about ISIL. This book discusses the intellectual and ideological essence of ISIL, its history and formation, its organizational structure, its inducts and tactics, its media inducts, its army and militia, its economy and finance, why this group arose and collapsed, and the chances and threats of ISIL for Iranian foreign policy and proposes for countering with this group. In this paper we will introduce and describe the book, then after formal critique, in part of the analysis of the context of the book, we will criticize the parts of the book and will say that the essential problem of this book is the absence of theory. In the eventual analysis, we propose the alternatives for the book, some proposes for the next books in this area and with this methodology. The methodology of this paper is library studying the use of electronic data.

**Keywords:** ISIL and Its Essence, Organization and Structure, Iranian Foreign Affaires.

---

\* Assistant Professor of Political Science, Payam-Noor University, Alborz, Iran (Corresponding Author),  
ma\_hosseini@yahoo.com

\*\* Assistant Professor of Political Science, Hakim Sabzavari University, Sabzavar, Iran, mosavyfar@ut.ac.ir

\*\*\* Assistant Professor of Business Management, Payam-Noor University, Alborz, Iran, eidi50@yahoo.com

Date received: 2021-04-23, Date of acceptance: 2021-07-31



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تأملی انتقادی در صورت‌بندی، محتوا، و نظریه‌مندی کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها

سیده‌مطهره حسینی\*

رضیه موسوی فر\*\*، فاطمه عیدی\*\*\*

### چکیده

کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها، نوشته سیدعلی نجات، از آثاری است که کوشیده است به معرفی همه ابعاد داعش بپردازد. در این کتاب درباره مبانی فکری و ایدئولوژیک داعش، تاریخچه و نحوه شکل‌گیری، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها و تاکتیک‌ها، راه‌برد رسانه‌ای این گروه، نیروهای فعال تحت فرمان‌دهی، وضعیت مالی و اقتصادی، دلایل موفقیت و شکست، و چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راه‌کارهای مقابله بحث شده است. در این نقد، ضمن معرفی و توصیف اثر، به نقد شکلی آن پرداخته و در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی به نقد محتوای فصول کتاب و تبیین یکی از اصلی‌ترین مشکلات آن، یعنی نبود بنیاد نظری، پرداخته‌ایم. در بخش ارزیابی نهایی نیز، ضمن بیان جای‌گزین‌های موجود برای بهبود کتاب، برخی پیش‌نهادها را برای آثار بعدی با این موضوع و روش مطرح کرده‌ایم. روش مطالعه ما اسنادی با بهره‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌ای، اعم از فیزیکی و الکترونیک، بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** داعش؛ ماهیت، ساختار، تشکیلات، و بنیان‌های نظری؛ سیاست خارجی ایران.

\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، ma\_hoseyni@yahoo.com

\*\* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، mosavyfar@ut.ac.ir

\*\*\* استادیار مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، eidi50@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹



## ۱. مقدمه

کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها، نوشته سیدعلی نجات، از آثاری است که کوشیده است به معرفی همه ابعاد داعش بپردازد. تأمل درباب کار و فکر داعش و دیگر گروه‌های مشابه اهمیت حیاتی دارد. مجموعه آثار تولیدشده درباب این گروه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: آثار گزارشی یا روایی و آثار پژوهشی یا تأملی. کتابی که در این جا بررسی می‌شود از کتاب‌ها و آثاری است که نویسنده آن به‌سیاقی روایی به تفحص در افعال و افکار داعش می‌پردازد. در وضعیتی که برخی محققان داعش را رویدادی اتفاقی و بعضی آن را برنامه‌ای سنجیده می‌دانند کتاب کالبدشکافی داعش کوشیده است همه ابعاد داعش را بررسی کند و به هر پرسشی درباره این گروه پاسخ دهد. آنچه در این مقاله آمده است نقد و داوری مؤلفه‌های اصلی این کتاب است که به‌سیاق نقد متون علوم انسانی انجام یافته است. در این نقد، ضمن معرفی و توصیف اثر، به نقد شکلی آن پرداخته و در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی به نقد محتوای فصول کتاب و تبیین یکی از اصلی‌ترین مشکلات آن، یعنی نبود بنیاد نظری، پرداخته‌ایم. در بخش ارزیابی نهایی نیز، ضمن بیان جای‌گزین‌های موجود برای بهبود کتاب، برخی پیشنهادها را برای آثار بعدی با این موضوع و روش مطرح کرده‌ایم. روش مطالعه ما اسنادی با بهره‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌ای، اعم از فیزیکی و الکترونیک، است.

## ۲. معرفی و توصیف اثر

کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها، نوشته سیدعلی نجات، در سال ۱۳۹۴ در ۲۴۷ صفحه در انتشارات ابرار معاصر تهران منتشر شده است. کتاب نه فصل و یک نتیجه‌گیری مختصر دارد. فصول کتاب بدین شرح‌اند:

فصل اول: مبانی فکری و ایدئولوژیک داعش؛ در این جا نویسنده به مبحث شکل‌گیری سلفیه و آباء سلفی شامل ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، سید قطب، ابوالاعلی مودودی، محمد عبدالسلام فرج، بن‌لادن، و ایمن الظواهری، ابوبکر ناجی، و عبدالله بن محمد پرداخته است. هم‌چنین، اندیشه‌های سیاسی نوسلفی‌گری شامل تکفیر، جهاد، خودکشی، رد اقتدار سیاسی، تفکیک دارالاسلام از دارالکفر، توحید، و اطاعت و نیز هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، معناشناسی، و روش‌شناسی ساختار اعتقادی داعش مورد توجه قرار گرفته است. این فصل در مورد چهار مسئله کاملاً نامرتبط سخن گفته است: ریشه لغوی سلفیه،

تبارشناسی نوسلفیه (که بیش‌تر به بررسی برخی رهبران مهم سلفی از آغاز تا برآمدن داعش پرداخته است)، مبانی اندیشه سیاسی نوسلفی‌گری، و ساختار اعتقادی داعش از حیث فلسفی. بحث‌ها نسبتاً ناقص است و برای نمونه دلیل انتخاب برخی رهبران و غفلت از برخی دیگر مشخص نیست. در این فصل، روند شکل‌گیری داعش از مبانی فکری بالا بازگو نشده و با آن‌که به عناوین بنیان‌های فکری تفکر داعشی اشاره شده است، ولی این پرسش مهم پاسخی ندارد که چگونه این اندیشه‌ها به شکل‌گیری داعش منجر می‌شود. به‌سخن دیگر، از این بنیان‌ها لزوماً گروهی با ویژگی‌های داعش برنمی‌آید. نویسنده به مسائلی چون ژئوپلتیک، تاریخ منطقه، و ... نیز که در برآمدن چنین گروهی با این اندیشه‌ها دخیل بوده پرداخته است؛

فصل دوم: تاریخچه و نحوه شکل‌گیری داعش؛ حمله شوروی به افغانستان و شکل‌گیری سازمان القاعده، ظهور گروه الاصلاح و شکل‌گیری القاعده عراق، تشکیل دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و عوامل آن شامل ریشه‌ها، بسترها، بحران سوریه، و تأثیر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی شده است. این فصل می‌کوشد تاریخ شکل‌گیری داعش را براساس بنیان‌های پیش‌گفته (فصل اول) بیان کند. هم‌چنان، به دلیل بی‌توجهی به ژئوپلتیک داعش و کم بهره‌بردن از بنیادهای نظری سلفی‌گری، بحث این فصل توصیفی است و نه تحلیل درون‌کاوانه؛

فصل سوم: ساختار تشکیلاتی داعش؛ جایگاه خلیفه، اهل حل و عقد، مجلس شورا، شوراهای نظامی و امنیت و اطلاعات، هیئت‌های شرعی، مؤسسه رسانه‌ای، مؤسسه بیت‌المال، تقسیمات اداری؛ و نیز نحوه عضوگیری داعش، درگیری و رقابت در ساختار تشکیلاتی داعش و معرفی سران اصلی، وزرا شامل وزیر دفتر جنگ، سران ولایت‌ها، و مقامات ارشد داعش در سوریه در این فصل به بحث کشیده شده‌اند. ساختار و تشکیلات داعش در این فصل، با تکیه بر نیروی انسانی، عضوگیری، و رهبران داعش طرح شده است و لذا می‌تواند بحث جالبی باشد. از بحث ساختار انتظار می‌رود که پاسخی باشد به این پرسش که گروه داعش چگونه کار می‌کند؟ اما با وجود این که فصل سوم برخی نهادها و ساختارهای تشکیلاتی داعش را معرفی می‌کند هنوز نمی‌تواند پاسخی برای این پرسش عرضه کند؛

فصل چهارم: راه‌بردها و تاکتیک‌های داعش؛ در این فصل درباره مناطق تحت سیطره داعش در عراق و سوریه، تسلیحات نظامی، و آموزش و تاکتیک‌ها و راه‌بردها شامل تاکتیک جنگ روانی و راه‌کنش سه‌مرحله‌ای این گروه (بحران‌سازی، سازمان‌دهی نیرو، و تشکیل

حکومت اسلامی) بحث شده است. به‌طور جدی انتظار می‌رود که این فصل نظریه‌مند باشد و درآمدی باشد بر مبانی ژئوپلیتیکی شکل‌گیری و مبانی نظری عملکرد داعش. باوجود این، بیش‌تر به جغرافیای سیاسی و انسانی داعش در سوریه و عراق پرداخته است؛

فصل پنجم: راه‌برد رسانه‌ای گروه داعش؛ درباره‌ی مهارت رسانه‌ای داعش، مؤسسات رسانه‌ای و نفوذ داعش در شبکه‌های اجتماعی (خلیفه‌بوک، توئیتر، دیاسپورا)، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی (تلویزیون‌های دابق، توحید، خلافت‌لایو، و رادیوی البیان)، ساخت نرم‌افزارهای موبایل، و بازی‌های ویدیویی سخن‌گفته و بحث را با مهم‌ترین اهداف رسانه‌ای داعش شامل اشاعه‌ی رعب و وحشت و ایجاد جنگ روانی، جذب نیرو، انتقال پیام فتوحات خود، تفرقه میان شیعه و سنی ادامه داده و در پایان بخشی از تناقضات رسانه‌ای داعش و روابطش با رسانه‌های خارجی را بیان کرده است. این فصل پیش‌روترین فصل کتاب است، چراکه گروه داعش تا حدود زیادی به سبب راه‌بردهای کلان رسانه‌ای‌اش بود که در سطح جهانی مطرح شد و در این فصل، روش‌های مختلف رسانه‌ای داعش شامل چگونگی و کم‌وکیف بهره‌گیری داعش از رسانه‌های دیداری، شنیداری، و اینترنت (هرچند به‌شکلی ناقص و بدون هیچ‌گونه آمار و ارقام و پیمایشی) بحث شده است؛

فصل ششم: نیروهای فعال تحت فرمان‌دهی داعش؛ تعداد نیروهای داعش، خاستگاه جغرافیایی، جنگ‌جویان محلی و خارجی و دلایل پیوستن آن‌ها به داعش، فعالیت‌های این گروه در اروپا و شبکه‌های اجتماعی، تأکید داعش بر حذف مرزها، تأسیس حکومت اسلامی و روایت آخرالزمانی آن‌ها، انگیزه‌های مادی، معنوی، جنسی، و بشردوستانه داعشی‌ها، مشکلات روحی - روانی، احساس پوچی در فرهنگ مدرن، پی‌آمدهای بازگشت داعش به کشورهای خود و هزینه‌های نیروهای انسانی این گروه مورد بررسی قرار گرفته است. پربحث‌ترین و جنجالی‌ترین بحث داعش مربوط به نیروهای انسانی آن و به‌ویژه نیروهای فرامرزی آن است. این فصل نیز، بدون آن‌که ارزیابی درستی از کم‌وکیف نیروهای انسانی داعش به‌دست دهد، به فضای اندیشه‌ای، ایدئولوژیک، انگیزشی، و مالی این نیروها پرداخته است؛

فصل هفتم: وضعیت مالی و اقتصادی داعش؛ به منابع مالی و فعالیت‌های اقتصادی داعش و شیوه‌های تأمین منابع مالی شامل فروش نفت، منابع بانک‌های موصول، کمک‌های مالی کشورهای خارجی، دریافت پول از خانواده‌ی گروگان‌گرفته‌شدگان، فروش جسد، فروش عتیقه، و آثار باستانی، فروش زنان و کودکان به‌عنوان برده، مالیات، کمک‌های مالی هواداران و خیریه‌های مذهبی، سلاح‌های غنیمتی، قاچاق، غارت، و کشاورزی اشاره کرده

است، ولی دربارهٔ مقادیر این عناوین مالی و پولی و طرق احصال پول از فروش کالا و طرف‌های خرید و فروش مطلب قابل تأملی درج نشده است؛

فصل هشتم: دلایل موفقیت و شکست داعش؛ دربارهٔ عوامل پیش‌روی گستردهٔ نیروهای داعش به شانزده عامل زیر اشاره شده است: زمینه‌های اجتماعی، تاریخی، قبیله‌ای به‌سود معارضان؛ ساختار قدرت ناهماهنگ با شرایط نوین عراق؛ حمایت قاطع بیگانگان؛ ضعیف‌شدن عشایر سنتی ضد داعش؛ عدم انسجام و یک‌پارچه‌نبودن ارتش؛ نیروهای امنیتی و پلیس عراق؛ ضعف دشمنان داعش؛ توان و تجربهٔ عملیاتی معارضان؛ انتخاب درست مناطق جنگی؛ قدرت اطلاعاتی بالای داعش؛ تجربهٔ جنگ سه‌سالهٔ سوریه؛ استفاده از روش‌های نامرسوم جنگی مانند جنگ نامتقارن؛ تسلیحات پیش‌رفته؛ منابع مالی مطمئن و وسیع؛ تبلیغات مؤثر و گسترده؛ زمینه‌های ناخشنودی در کشورهای اسلامی و مخالفت برخی جریان‌ها با حشدالشعبی. هم‌چنین، نه مانع برای پیش‌روی داعش ذکر شده است: فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی؛ هم‌گرایی ملی و وحدت طیف‌های مختلف عراقی؛ همکاری جمهوری اسلامی ایران با عراق؛ شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی ضد داعش؛ انزوای بین‌المللی؛ ضعف نظامی این گروه؛ ازدست‌دادن مهم‌ترین متحدان، اختلافات درونی؛ و انحراف جنون‌آمیز داعش از مذهب. در بخش نگرش گروه‌های سیاسی عراق به داعش، به مواضع و اقدامات شیعیان، اهل سنت، و کردها توجه شده است. بحث‌برانگیزترین فصل کتاب فصل هشتم است که در آن ترکیب قابل تأملی از مجموعهٔ شرایطی که به فراز و فرود داعش منجر شده بیان شده است. در این‌جا، از شانزده عامل پیش‌روی سریع داعش و نه مانع در برابر این گروه بحث شده و فضای واقعی عملکرد داعش و زوال و شکست آن ترسیم شده است. بدین‌سان، تحلیل واقعی چگونگی برآمدن و افول داعش در این فصل انجام شده است؛

فصل نهم: چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راه‌کارهای مقابله؛ دربارهٔ ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با گروه داعش، فرصت‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران (شامل ده فرصت: اثبات قدرت منطقه‌ای ایران؛ افزایش مشروعیت و اعتبار جبههٔ مقاومت؛ مشروعیت‌یافتن دفاع ایران از سوریه، وحدت گروه‌های سیاسی عراق، عملیاتی‌شدن آموزش‌ها و تجربهٔ جنگ‌های چریکی در صحنهٔ نبرد، تضعیف نیروهای گریز از مرکز به‌سبب ثبات و امنیت داخلی، اثبات توانایی ایران به‌عنوان جزیرهٔ ثبات در منطقه، نشان‌دادن سیاست خارجی موفق ایران در منطقه، ارتقای جایگاه مرجعیت دینی، و افزایش مشروعیت اسلام شیعی میانه‌رو و انقلابی)، چالش‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران (شامل هفت مورد: تهدید

امنیتی جمهوری اسلامی ایران؛ حضور نظامی کشورهای غربی در سوریه و عراق؛ حضور بلندمدت آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه؛ تضعیف جبهه مقاومت و ایجاد حاشیه امن برای رژیم صهیونیستی؛ ارائه الگوی جعلی از اسلام سیاسی در برابر اسلام محمدی؛ تقویت تفکرات تکفیری در برابر اسلام معتدل و عقلایی؛ و تقویت ابعاد اسلام‌هراسی در نظام بین‌الملل) سخن گفته و در پایان راه‌کارهای نظامی و فرهنگی مقابله با داعش را بررسی کرده است. ده فرصت و هفت تهدیدی که حاصل حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی است ترسیمی از فضای امنیتی‌ای است که داعش به وجود آورده است؛ ولی فضای ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی - نظامی‌ای را که در نتیجه حضور داعش به وجود آمده است و مدت‌ها پایدار می‌ماند نیز نباید از نظر دور داشت. این فصل تا حدود زیادی بازگویی فضای برخورد با داعش در دوران اوج قدرت این گروه است؛ و در پایان کتاب، پس از نتیجه‌گیری کوتاه پنج‌صفحه‌ای، گاه‌شمار مهم‌ترین رویدادهای داعش و کتاب‌نامه آمده است.

### ۳. ارزیابی شکلی (صورت‌بندی کتاب)

کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها دارای طرح جلد، صحافی، قطع، نوع، و اندازه قلم، صفحه‌آرایی، و ویراستاری متناسب و حرفه‌ای است که در بازار کتاب ایران آن را قابل قبول به نظر می‌رساند. اگرچه طرح جلد مشکی، هم‌راه با داعشی نقاب‌دار چاقویه‌دست که در حال تهدید (یا سربریدن) است، خشن است، ولی نمودی از داعش رسانه‌ای شده نیز است.

ویراستاران فنی و ادبی علائم سجاوندی و قواعد نگارشی - ویرایشی را تا حد قابل قبولی رعایت کرده‌اند؛ اما اگر بادقت به متن بنگریم، اشکالات نسبتاً زیادی به‌ویژه در زمینه فارسی‌نویسی خواهیم یافت. تقریباً همه متن نیاز به فارسی‌نویسی دوباره و پیراستن کلمات عربی، که برابر واژگان فارسی آن‌ها پرکاربرد است، دارد. کلماتی مانند علی‌رغم (صفحات مکرر) (برابرواژه فارسی‌تر آن: باوجود)، تمام (صفحات مکرر) (برابرواژه فارسی: همه)، درمقابل (ص ۲۱۴) (برابرواژه فارسی: در برابر)، ارتقا (ص ۲۱۰) (برابرواژه فارسی: بالا بردن)، جدید (صفحات مکرر) (برابرواژه فارسی: تازه، نوین، نو)، استراتژی (ص ۴۰) (برابرواژه فارسی: راه‌برد)، عقبه (ص ۵۴) (برابرواژه فارسی: پشتوانه)، و موارد بسیار زیادی از این نوع‌اند.



هم‌چنین، از آن‌جاکه ویراستار اصلی ظاهراً خود نویسنده بوده است، کلمات اضافی زیادی در متن به چشم می‌خورد. برای نمونه، از حرف اضافه «در» بسیار استفاده شده است، درحالی‌که در بیش‌تر موارد این حرف حذف‌شدنی است؛ زیرا به‌جای کسره به‌کار برده شده است و این درکنار عربی‌نویسی و سایر ایرادات نوشتاری بر ناروانی، غیرحرفه‌ای‌بودن، و سنگینی متن می‌افزاید:

- «تشکیل دولت اسلامی در عراق» (ص ۵۰)

- «تشکیل دولت اسلامی در عراق و شام» (ص ۵۱)

- «وحدت گروه‌های سیاسی در عراق» (ص ۲۰۸)

- «اثبات توانایی ایران به‌عنوان جزیرهٔ ثابت در منطقه» (ص ۲۰۹)

در بسیاری از جاها به‌جای مجموعه‌ای از کلمات می‌توانیم یک واژهٔ روشن را به‌کار بریم. مثلاً:

- «به‌وضوح روشن است که ...» (ص ۶۸): برابر واژه: آشکارا.

منفی‌سازی در زبان فارسی قواعد خاص خود را دارد. مثلاً:

- «هرچه این نبود امنیت بیش‌تر باشد» (ص ۶۷): برابر جمله: هرچه ناامنی بیش‌تر شود.

بہتر است جمله‌سازی براساس آسان‌ترین روش ساختن موصوفات و اضافات صورت پذیرد، تا هم از حالت گفتاری فاصله بگیرد و هم نوشتار روانی داشته باشد. مثلاً:

- «درحال حاضر، روش اتخاذشدهٔ گروه تروریستی داعش در شبکه‌های اجتماعی اقدام

به فعالیت تبلیغی در فضای مجازی دیاسپورا است» (ص ۱۳۰). برابر جمله: هم‌اینک،

روش گروه داعش در شبکه‌های اجتماعی تبلیغ در سایت «دیاسپورا» است.

#### ۴. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

کتاب *کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها* کتابی درسی نیست و به‌عنوان منبع کمکی در پژوهش‌های مربوطه می‌تواند کاربرد داشته باشد. لذا، ویژگی‌های منبع درسی دانشگاهی مانند مطابقت اثر با آخرین سرفصل‌های مصوب و استفاده از ابزارهای علمی‌ای مانند تمرین، نمودار، جدول، تصویر، و ... را ندارد.

هرچند *کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها* کتابی مسئله‌مند است که در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور تدوین شده است، ولی نمی‌توان آن را اثری جامع، علمی، و بی‌طرف دانست.

#### ۱.۴ بررسی فصول کتاب

نخست به عنوان و فصول کتاب می‌نگریم. عنوان «کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها» بیان‌گر آن است که می‌خواهد از همه جزئیات داعش سخن بگوید: ماهیت این گروه را از نظر دینی و فلسفی بررسی کند، ساختار تشکیلاتی، رهبران، و راه‌بردهایش را بازگوید، و درمورد اهداف گروه به‌اضافه پی‌آمدهای نظری و عملیاتی‌اش را در منطقه و جهان کندوکاو کند، و این‌همه را در دو‌یست و اندی صفحه با مراجعه به منابع اینترنتی گرد آورده است. اگر فقط ماهیت دینی و فلسفی داعش را مدنظر قرار دهیم، باید اثری وزین به‌روش کتاب‌خانه‌ای و اسنادی با مراجعه به منابع ثقیل تاریخی آماده کنیم؛ اگر تاریخچه این گروه را بررسی کنیم، تاریخ معاصر خاورمیانه را باید بازگوییم؛ و ...

اکنون نگاهی به فصول کتاب می‌اندازیم که درباره همه وجوه داعش سخن گفته است: مبانی فکری و ایدئولوژیک؛ تاریخچه و نحوه شکل‌گیری؛ ساختار تشکیلاتی؛ راه‌بردها و تاکتیک‌ها؛ راه‌برد رسانه‌ای؛ نیروهای فعال؛ وضعیت مالی و اقتصادی؛ دلایل موفقیت و شکست؛ و نهایتاً چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راه‌کارهای مقابله با این گروه. نویسنده کوشیده است نگاهی جامع به این گروه داشته باشد، اما اگر نگاهی به محتوای فصول داشته باشیم، خواهیم دید که هر فصل با نگاهی ژورنالیستی و سطحی و بدون مراجعه به انبوهی از منابع معتبر از موضوع عبور کرده و به معرفی رونوشت‌گونه‌ای بسنده کرده است. گاه حتی لحن خبری منابع مورد استفاده تغییر نیافته است.

برای نمونه، در فصل یکم (مبانی فکری و ایدئولوژیک داعش)، نویسنده به شکل‌گیری سلفیه و آباء سلفی شامل ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، سید قطب، ابوالاعلی مودودی، محمد عبدالسلام فرج، بن‌لادن، ایمن الظواهری، ابوبکر ناجی، و عبدالله بن محمد پرداخته و تنها به معرفی کوتاه و تکراری آن‌ها بسنده کرده است و انبوهی از مبانی فکری داعش را از نظر دور داشته است. هم‌چنین، در بحثی فلسفی با عنوان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، معنانشناسی، و روش‌شناسی ساختار اعتقادی داعش به چند جمله بی‌پایان بسنده کرده و کل این فلسفه‌ها را در دو صفحه و عموماً بدون ذکر منبع (به‌جز دو بند مربوط به روش‌شناسی) به‌پایان رسانده است (صص ۴۵-۴۶). در این بحث استفاده از آثار مستند و معتبر ممکن بوده و انتظار تحلیل پایه‌ای‌تر و متناسب‌تری از مبانی و چگونگی شکل‌گیری داعش وجود داشته است. برای نمونه، علی‌رضا سمیعی اصفهانی در مقاله‌ای با نام «واکاوی ریشه‌های

شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق» به مبانی فکری، محیطی، اجتماعی، عقیدتی، و چگونگی برآمدن رهبران اصلی داعش به‌ویژه بغدادی پرداخته است (سمیعی اصفهانی و شریف یلمه ۱۳۹۵: ۱۶۱-۱۸۸). هم‌چنین، مبحث «امنیت هستی‌شناختی» از منظر رئالیسم در روابط بین‌الملل در مقالهٔ تئوریک امینیان موردتوجه قرار گرفته است (امینیان و زمانی ۱۳۹۵: ۱۶). هرچند نویسندهٔ کتاب *کالبدشکافی داعش* به منابعی چند مراجعه کرده است، ولی مجموع گردآوری او در این فصل به‌قوت آثار ارجاعی نیست.

هرچند در فصل سوم کتاب (ساختار تشکیلاتی داعش) معرفی ساختارهایی مانند شوراهای تقسیمات اداری، نحوهٔ عضوگیری داعش، درگیری و رقابت در ساختار تشکیلاتی، و معرفی سران اصلی داعش اطلاعات خوبی به خواننده می‌دهد، ولی با توجه به تغییرات مداوم فردی، جغرافیایی، و تشکیلاتی، این پرسش پیش می‌آید که این معرفی‌نامه مربوط به کدام برههٔ تاریخی حیات داعش است و آیا همهٔ موارد تشکیلاتی و فردی را در بر دارد یا خیر؟

در فصل چهارم (راه‌بردها و تاکتیک‌های داعش) دربارهٔ مناطق تحت سیطرهٔ داعش در عراق و سوریه بحث شده و تاکتیک‌هایی چون جنگ روانی و راه‌کنش سه‌مرحله‌ای (بحران‌سازی، سازمان‌دهی نیرو، و تشکیل حکومت اسلامی) باز گفته شده، اما به‌هیچ‌روی نتوانسته است نقشه‌ای عملیاتی و واقعی از جغرافیای داعش و شیوه‌های عملیاتی این گروه به‌دست دهد و ما چندان از خبرخوانی‌های عمومی مربوط به داعش فراتر نمی‌رویم. در فصل ششم (نیروهای فعال تحت فرمان‌دهی داعش) نیز، که از جنگ‌جویان محلی و خارجی و انگیزه‌های آن‌ها سخن گفته شده، هم‌چنان بحث فصل چهارم تکمیل نشده است. در فصل پنجم کتاب هم (راه‌برد رسانه‌ای گروه داعش)، به‌عنوان ادامهٔ بحث این فصول، تنها چند رسانه معرفی شده و ضمن این‌که مواردی چون «سایت‌الاعماق» از قلم افتاده، بیان آن فراتر از معرفی‌نامه ممکن نبوده است و عملاً تحلیل محتوایی در آن به‌چشم نمی‌خورد. در این فصل نیز، استفاده از مستندات نظریه‌محور، مثلاً مقالهٔ اینگرام با عنوان «تحلیل مجلهٔ *دبئی دولت اسلامی*» (Ingram 2016). به‌نقل از نظری و پیرانی ۱۳۹۶: ۸۷ و استفاده از نظریهٔ هویت اجتماعی (نظری و پیرانی ۱۳۹۶: ۸۴)، می‌توانست بر غنای بحث بیفزاید.

در میان مواردی که ذکر شد، اگر برای نمونه به بحث فصل ششم دربارهٔ نیروهای داعش، خاستگاه جغرافیایی (ملیت)، تعداد و دسته‌بندی‌ها بنگریم، اشکالات زیادی را درخواهیم یافت. در این فصل، از جنگ‌جویان عراقی و سوری به‌عنوان نیروهای داخلی یاد شده و ضمن اشاره به بقایای حزب بعث و گروه‌های نظامی مخالف دولت عراق نقش‌بندیان جزء

جنگ‌جویان عراقی به‌شمار آمده‌اند، درحالی‌که اعضای اصلی این گروه چچنی دانسته شده‌اند (صص ۱۴۲-۱۴۵).

در میان جنگ‌جویان خارجی، از عربستانی‌ها، اردنی‌ها، لبنانی‌ها، تونسی‌ها، مغرب عربی، لیبیایی‌ها، اروپاییان، چچنی‌ها و قفقازی‌ها، جنگ‌جویان اهل آسیای مرکزی و آسیای غربی، افغان‌ها، و پاکستانی‌ها یاد شده است (صص ۱۴۵-۱۶۲). در پایان نیز، بحث با «نقشه کشورهای داعش‌پرور» به‌پایان رسیده است (صص ۱۶۳) که البته بیش‌تر ترکیبی از کشورهای غیرمسلمان با تعداد زیاد مهاجران مسلمان به‌علاوه کشورهای مسلمان دارای حکومت مستبد است. در میان این مباحث، مثلاً آمارهای مختلفی در دو صفحه از چچنی‌ها، قفقازی‌ها، و روس‌های داعشی به‌دست داده شده است: ۲۰۰۰، ۱۶۰۰، ۲۵۰۰، ۱۰۰، ۳۰۰۰ (صص ۱۵۶-۱۵۷). همان‌گونه‌که می‌دانیم، چچنی، قفقازی، و روس سه ملت هم‌پوشان‌اند: چچن در قفقاز شمالی قرار دارد و جزء خاک روسیه به‌شمار می‌رود. این بی‌دقتی در سایر آمار و اطلاعات ارائه‌شده نیز به‌چشم می‌خورد.

اگر بخواهیم همین بخش را اصلاح کنیم، باید بگوییم که برخی ملیت‌ها مانند چچنی‌ها و داغستانی‌ها (از دو جمهوری در قفقاز روسیه) که در دولت اسلامی عراق و شام حضور دارند بیش‌تر خارجیان مبارز را تشکیل می‌دهند، به‌طوری‌که بنا بر گزارش‌های خبرنگاران در برخی مناطق عراق و سوریه خارجی‌ها را با عنوان کلی «الشیشانی» (چچنی) می‌شناسند. تعداد این افراد چند هزار نفر برآورد شده است. اینان به‌سبب فضای سخت‌زندگی و امنیت پلیسی خشن روسیه در چند دهه اخیر از وطن رانده شده و به جنگ‌جویان بین‌المللی تبدیل شده‌اند. یکی از رهبران برجسته چچنی عمر الشیشانی، فرمانده عالی‌رتبه داعش، است که در منابع اینترنتی اخباری از او درج می‌شود (Haines 2014). در کتاب کالبدشکافی داعش، این رهبر و قومیت ناشناخته مانده‌اند و بدون درک درستی از «الشیشانی‌ها» آن‌ها را چچنی دانسته‌اند و دانشی درباره اعراب قفقازی به‌چشم نمی‌خورد. فرمانده دیگر از این قوم ابولید الشیشانی، معروف به مسلم الشیشانی، است که سرکرده گروه موسوم به کتائب جندالشم است که هم‌چنین لواء الشیشان نامیده می‌شود (مشرق‌نیوز ۱۳۹۲). منابع آمریکایی از سه هزار روس (داغستانی و چچنی) در منطقه یاد کرده‌اند (تسنیم ۱۳۹۴).

خارجی‌هایی که اصالتاً از غرب آمده‌اند دسته دیگر جنگ‌جویان‌اند که از آمریکا، اروپا، و استرالیا به عراق و سوریه آمده‌اند. سیدنی جونز، کارشناس معروف تندرو در آسیای غربی و مدیر مؤسسه‌ای پژوهشی در جاکارتا، شمار اروپایی‌ها و استرالیایی‌های منطقه را یازده‌هزار تا دوازده‌هزار نفر می‌داند که بیش‌تر آن‌ها عربی می‌دانند، زیرا در خانواده‌های بااصالت

خاورمیانه‌ای به دنیا آمده‌اند. آمارهایی که او دربارهٔ خارجی‌های منطقه می‌دهد چند برابر سایر منابع است (Jones 2014). در منابع دیگر غربی، شمار کل غربی‌های منطقه دو تا پنج‌هزار نفر است که باز استنادات همین تعداد نیز چندان مشخص نیست (تسنیم ۱۳۹۶). برای نمونه، نمایندهٔ سوریه در سازمان ملل از کشته‌شدن پانزده خارجی در ماه ژوئن گزارش می‌کند و به استناد همین چند ده نفر رسانه‌ها از حضور صدها و هزاران خارجی در منطقه یاد می‌کنند. مایکل نونان، روزنامه‌نگاری که در منطقه بوده است، شمار کل خارجی‌ها را پانزده‌هزار نفر از هشتاد کشور ذکر می‌کند، درحالی‌که منابع دیگر پنجاه کشور و کم‌تر را ذکر کرده‌اند. منابع غربی شمار افرادی را که از ایالات متحده آمده‌اند صد تا سیصد نفر ذکر می‌کند. سومین دسته از ملیت‌هایی که برای داعش می‌جنگند ملیت‌های آسیای غربی‌اند که بیش‌تر آن‌ها از آسیای مرکزی و تعداد کمی نیز از آسیای جنوب غربی‌اند (حسینی ۱۳۹۳).

از آسیای مرکزی، ازبک‌ها و تاجیک‌ها بیش‌ترین زمینه را برای جذب نیروی رزم‌جو در داعش داشته‌اند. جنگ داخلی تاجیکستان و سابقهٔ سرکوب جنبش‌های اسلامی در دو کشور علت اصلی است که زمینهٔ زیرزمینی شدن آن‌ها را فراهم کرد. درحالی‌که دولت‌های سکولار جنبش‌های پایه‌دار حواشی درهٔ فرغانهٔ ازبکستان و بدخشان تاجیکستان را نادیده گرفتند، این‌ها در جست‌وجوی هویت و در پیوند با طالبان افغانستان وارد جنبش افراطی بین‌المللی شده‌اند که به‌طور کلی از سوی غربی‌ها با نام «القاعده» خوانده می‌شود. شمار تاجیک‌ها و ازبک‌های داعش بین صد تا سیصد نفر ذکر شده است. منابع روسی از حضور ۲۵۰ قزاقستانی، ۱۰۰ قرقیز، ۱۹۰ تاجیک، ۵۰۰ ازبک، و حدود ۳۶۰ ترکمن در جبههٔ داعش خبر داده‌اند. منابع محلی تاجیکستان شمار تاجیک‌هایی را که در سوریه و عراق می‌جنگند ۲۰۰ نفر گفته‌اند. این درحالی است که دولت باوجود سخت‌گیری‌ها پارسال تنها ۱۲ نفر را به جرم فعالیت‌های تندروانه دست‌گیر کرد و امسال (۲۰۱۴) ۳۰ نفر که عضو جماعت انصارالله (۱۲ تن)، طالبان، و النصره بودند دست‌گیر شده‌اند. مقامات قرقیز نیز شمار اهالی این کشور در شامات را ۱۵۰ نفر برآورد کرده‌اند.

از گروه‌های آسیای مرکزی و قفقاز که اخیراً معروف شده‌اند جماعت صابری شامل ازبک‌ها، تاجیک‌ها، و روس‌ها (داغستانی و چچن) به‌رهبری خالد الداغستانی است که در اینترنت موجودیت خود را اعلام کرده و ۷۰ جنگ‌جو در تصویر منتشرشدهٔ آنان مشخص است. رهبر پیشین آنان عبدالله تاشکندی بود که امسال در درگیری‌های منطقه‌ای کشته شد. هم‌چنین، اطلاعاتی از یک ازبک به‌نام ابو حسین وجود دارد که فرمانده جماعت ازبکی سیف‌الدین در جبههٔ النصره است (مشرق‌نیوز ۱۳۹۴؛ صیدی ۱۳۹۳).

از میان کشورهای آسیای جنوب شرقی، به ۱۰۰ تا ۱۵۰ اندونزیایی باید اشاره کرد که دولت نام تنها ۵۶ نفر از آنان را دارد و از شاگردان برخی علمای رادیکال مانند ابوبکر بشیر (امام‌جمعه اندونزیایی که اکنون در زندان است) هستند. درحالی‌که سیدنی جونز شمار مالزیایی‌های منطقه را ۳۰ تا ۵۰ نفر می‌داند، روزنامه/ستریت‌تایمز سنگاپور تعداد آنان را ۱۰۰ نفر عنوان می‌کند. از آن جمله می‌توان از احمد ترمیمی مالکی، کارگر سابق بیست‌وشش‌ساله مالزیایی، نام برد که با کامیون به داخل یک پاسگاه دولتی عراق حمله کرد و ۲۵ نفر را کشت.

چنان‌که می‌بینیم، براساس آمارهای مختلف تا سال ۱۳۹۳، یعنی در اوج برآمدن داعش، شمار افرادی که از کل کشورهای غربی (اروپا، آمریکا، و استرالیا) در سوریه و شام می‌جنگند چند هزار تا چند ده هزار نفر (تفاوت ده‌برابری در شمار افراد!) ذکر شده است. از هریک از کشورهای آسیای غربی، آسیای مرکزی، و خاورمیانه که دارای اقلیت مسلمان تندرو هستند (به‌طور مشخص، اندونزی، مالزی، ازبکستان، تاجیکستان، مصر، الجزایر) احتمال می‌رود حدود چند صد نفر در منطقه باشند و از برخی دیگر از کشورها مانند بوسنی، فیلیپین، قرقیزستان، و ... چند ده نفر به منطقه رفته‌اند. این آمار احتمالاً حداکثرها را در نظر گرفته و شمار جنگ‌جویان خارجی کم‌تر از این تعداد است (زلین ۱۳۹۲؛ خبرگزاری مهر ۱۳۹۲).

نگاهی به این آمار، خود، گویای تفاوت‌های موجود بین داعش واقعی و آن چیزی است که رسانه‌ها و تبلیغات می‌گویند. چنین ترکیب چندقومی و چندملیتی چگونه می‌تواند دارای خط‌مشی و ایدئولوژی تماماً یک‌سان و مشترکی باشد؟ شماری از خارجی‌هایی که در منطقه می‌جنگند مانند اندونزیایی‌ها، مالزیایی‌ها، فیلیپینی‌ها، و برخی انگلیسی‌زبانان با زبان عربی آشنا نیستند و حتی زبان مردم منطقه را نیز نمی‌دانند.

ازسوی دیگر، درباره‌ی شمار و عملکرد خارجی‌های منطقه غلو شده است و نباید واقعیت جنگ‌های قومی - قبیله‌ای را با ایدئولوژی آمیخت. آنچه در سوریه روی داد در آغاز شورش‌های ضدولتی بود و آنچه در عراق روی می‌دهد، بیش از هرچیز، درگیری‌ها و تصفیه‌حساب‌های قومی - قبیله‌ای و مذهبی است. در این فضا که از ناکارکردی‌های دولت‌های منطقه پدید آمد دو عامل بنیادگرایی داخلی و خارجی و بازیگران برجسته بین‌المللی سوء استفاده کردند و جنگ موجود روی داد (حسینی ۱۳۹۳).

از هیچ‌یک از این مسائل تحلیل‌های عمیق و قابل توجهی در کتاب به‌چشم نمی‌خورد، ضمن این‌که گزارش‌های داده‌شده نیز مربوط به برهه‌های مختلف زندگی هفت‌ساله داعش است و در بسیاری مواقع تاریخ دقیق این گزارش‌ها معلوم نیست. به همین دلیل، گاه

تناقض‌های اساسی در شیوه گزارش‌دهی روزنامه‌وار کتاب به چشم می‌خورد. مثلاً در فصل هشتم (دلایل موفقیت و شکست داعش)، ضمن ایرادات جدی‌ای که به این دلایل می‌توان وارد دانست، «حمایت قاطع بیگانگان» یکی از دلایل موفقیت داعش دانسته شده است (ص ۱۸۷) و در ادامه از «شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و انزوای بین‌المللی» (ص ۱۹۵) به عنوان یکی از دلایل شکست این گروه یاد شده است. این تناقض به خوبی بیان‌گر تلاش نویسنده برای به‌کاربردن دیدگاهی سوگیرانه و جانب‌دارانه در تحلیل موضوع پژوهش است. استفاده از اصطلاحات غیرعلمی و جانب‌دارانه در سراسر کتاب مشهود است. مثلاً در زیرتیتر (ص ۵۰) نویسنده می‌توانست به جای «هلاکت زرقاوی» بنویسد از بین رفتن یا کشته شدن زرقاوی.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، موضوع کردها در فصل هشتم بحث شده (ص ۱۹۹)، اما در فصل دوم علیه کردها چنین داوری شده است: «اختلافات اقلیم کردستان با بغداد مانع هم‌گرایی لازم کردی - شیعی در برابر خطر افراط‌گرایی تروریسم شده است، به گونه‌ای که مقامات کردی با تسلیح نیروهای نظامی عراق با تسلیحات راه‌بردی از جمله هواپیمای جنگی مخالفت می‌کنند» (ص ۵۶). در این جا، به موضع بقیه گرایش‌ها علیه کردها و موضع ضد داعشی کردها به عنوان یکی از طرف‌های اصلی درگیر با داعش و قربانی اشاره‌ای نشده است. در همان حال، در «نقشه ولایت‌های داعش» (فصل سوم، ص ۸۱) خود داعش نیز اعتراف می‌کند که نباید کردها را جزء ولایات خویش به‌شمار آورد و نمی‌توان سرزمین‌هایشان را تصرف کرد. جنوب دمشق (شیعه‌نشین) و منطقه بین حلب و حمص را نیز جزء قلمرو خویش به‌شمار نیاورده است. در فصل نهم (چالش‌ها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران و راه‌کارهای مقابله [با آن]) همین‌گونه تناقضات تحلیلی به چشم می‌خورد.

## ۲.۴ نبود بنیاد نظری

کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها بدون هیچ بنیاد نظری مشخصی به کالبدشکافی و ماهیت‌شناسی داعش می‌پردازد و همین امر از عمق و غنای کتاب می‌کاهد. ما بر این باوریم که اگر نویسنده به نظریات مطرح‌دراین‌باره می‌پرداخت، به‌طور قطع، اثر چهارچوب‌مندی را ارائه می‌کرد که دارای مبانی تحلیلی نظری و دورنمایی روش‌مند باشد. نبود بنیاد نظری موجب شده است نویسنده نتواند از موضوع

امنیت فراتر رود و به موضوع چون مسئله‌ای فرامنیتی و فراعقیدتی نگردد و مثلاً مبانی جامعه‌شناختی یا جغرافیای آب را مدنظر داشته باشد.

#### ۱.۲.۴ رویکردهای نظری مناسب برای تبیین پیدایی و عملکرد داعش

اتخاذ رویکردی واحد برای تبیین پدیده‌ها و جنبش‌هایی مانند داعش جواب‌گو نیست و ابعاد پیچیده این جنبش‌ها، با توسل به یک نظریه، قابل‌شناخت نیست. برای شناخت دقیق‌تر ابعاد مختلف آن‌ها باید از نظریه‌های مختلف بهره برد، چراکه ملاک و معیار انتخاب نظریه برای تحلیل مسائل و پاسخ‌دادن به پرسش‌ها در مورد پدیده‌های انسانی - اجتماعی و سیاسی جور بودن و مناسب بودن راه و روش‌های نظری با موضوع موردبررسی است. لذا، در بررسی چگونگی عملکرد داعش، نویسنده می‌توانست از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی و کارکردگرایی بهره ببرد، چراکه چهارچوب‌های مفهومی و نظری واقع‌گرایی تهاجمی و کارکردگرایی توانایی بیش‌تری برای تبیین ماهیت و رفتار سیاسی جنبش‌های بنیادگرای مدعی اسلام دارند. این رویکردها می‌تواند کلیت این جریان‌های نقش‌آفرین در صحنه روابط بین‌المللی را (که در پی ایجاد دولت‌اند و برخی خود را دولت خوانده‌اند) توضیح دهد. اولین رویکردی که می‌توانست در تبیین موضوع این مقاله راه‌گشا باشد رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی است. براساس این نظریه، بازیگرانی که با تهدیدات دائمی و واقعی روبه‌رویند تهاجمی عمل می‌کنند و درصدد برهم‌زدن وضع موجود برمی‌آیند، و در تلاش برای بیشینه‌سازی قدرت و امنیت به هر قیمتی‌اند و تصمیم‌سازان آن‌ها با محاسبه سود و زیان، در صورتی که کفه سود بر زیان بچربد، از توسل به زور و تغییر وضع موجود استقبال خواهند کرد. طبق این نظریه، امنیت و بقا به دلیل حاکمیت آنارشی هرگز قطعیت ندارد و امنیت کالایی کم‌یاب تلقی می‌شود و عدم اطمینان به مقاصد دشمنان و رقبا بهینه‌ساختن شرایط خودیاری و افزایش قدرت را در اولویت قرار می‌دهد و تلاش برای بیشینه‌ساختن قدرت و امنیت منجر به تعارض و درگیری و چهره‌نمودن معمای امنیت (security dilemma) می‌شود (Mearsheimer 2006 :83-85; Toft 2005). رفتارهای تهاجمی این جنبش‌ها در سراسر مناطق موردبحث حاکی از احساس ناامنی و تلاش برای بقا و بیشینه‌سازی قدرت و امنیت است که در حال حاضر پدیده‌ای روبه‌گسترش است.

دومین رویکرد در تبیین جنبش‌هایی نظیر داعش رویکرد کارکردگرایی است. قرائت فرهنگی از این رویکرد (آن‌چنان‌که مالینوفسکی در کارکرد فرهنگ بیان کرده است) در تبیین تشبث این گروه‌ها به اسلام برای دست‌یابی به اهداف راه‌گشاست. طبق این نظریه،



مهم‌ترین کارکرد فرهنگ تأمین نیازهای بشری است و فرهنگ است که سازوکارهایی را برای تأمین نیازهای زیستی، روحی - روانی، و سیاسی - اجتماعی در اختیار افراد و گروه‌های اجتماعی می‌گذارد و خاصیتش این است که به نیازهای فردی و جمعی افراد پاسخ می‌دهد. فرهنگ انسان را قادر می‌سازد تا با مسائل و مشکلاتی که در سر راه او قرار می‌گیرند مقابله کند (Malinowski 1961). تأمل در خط‌مشی گروه‌های یادشده بیان‌گر استفاده‌ی ابزاری از فرهنگ و نهاد دین در دست‌یابی به اهدافشان است.

باتوجه‌به آنچه بیان شد، می‌توان گفت رفتار خشن و تهاجمی جنبش‌ها و گروه‌های افراطی مدعی اسلام، از جمله داعش، به‌علت احساس ناامنی و تلاش برای حفظ بقا، موجودیت، هویت مادی و معنایی، و تخفیف تهدیدات است که به رویارویی خشن و تعارض مستمر با تهدیدکنندگان امنیتشان منجر می‌شود، که این بخش از رفتارهای آن‌ها با توسل به نظریه‌ی واقع‌گرایی تهاجمی قابل تبیین است و نیز توسل آن‌ها به استفاده‌ی ابزاری از مفاهیم، سمبل‌ها، و نمادهای اسلامی برای تحقق اهداف و مقاصدشان را می‌توان با نظریه‌ی کارکردگرایی توضیح داد. این گروه‌ها برای یارگیری، انسجام درونی، و تحقق اهداف و آمال خود از کارویژه‌های ایدئولوژیک به‌مثابه‌ی ابزاری مؤثر و قدرت‌مند بهره می‌برند. رعب و وحشتی که عاملان انتحاری در جوامع هدف می‌پراکنند و مقاومت‌ها را در مناطق تحت سلطه درهم می‌شکنند به‌مدد باورها و ارزش‌های فرهنگی شهید و شهادت است که از کارکردهای فرهنگی نهاد دین سرچشمه گرفته‌اند. کارکرد ترکیبی رویکردهای دوگانه در تبیین موضوع مقاله را می‌توان در نمودار زیر به‌تصویر کشید:

نمودار کارکرد ترکیبی رویکردهای کارکردگرا و واقع‌گرایی تهاجمی در قبال بنیادگرایی

اسلامی:



به نظر نویسندگان این مقاله، برای پاسخ‌دادن به ماهیت داعش (که دغدغه فصل اول کتاب سیدعلی نجات است)، از میان نظریه‌های مختلفی که می‌کوشند ماهیت و چیستی داعش را توضیح دهند نظریه‌های ژئوپلتیک در ترکیب با نظریه‌های جامعه‌شناختی برای تحلیل این گروه مناسب‌اند. البته باید گفت که بیش‌تر منابع فارسی و حتی غیرفارسی از خوانش داعش با عینک جامعه‌شناسی ژئوپلتیکی عاجزند و بیش‌تر آن‌ها به ماهیت عقیدتی داعش پرداخته‌اند، چنان‌که در کتاب *کالبدشکافی داعش* نیز این نگاه مشهود است.

بنابر خوانش ژئوپلتیک از چرایی ظهور داعش، منطقه مابین سوریه و عراق به دلایل مختلف تاریخی در طی برهه زمانی طولانی (به‌ویژه از هنگام فروپاشی عثمانی، یعنی سده اخیر) اندک‌اندک مهیای ظهور این فرقه شد، چراکه بیرون‌آمدن از درون امپراطوری بزرگی که سده‌ها عراق و سوریه به آن (عثمانی) وابسته بودند و سابقه اندک دولت‌سازی، تنش‌های پس از استقلال به‌ویژه کودتاهای نظامی و حاکمان مستبد و دولت‌های غیردموکراتیک و ناکارآمد و فقر اقتصادی، همه، دست به دست هم دادند تا فضای اجتماعی‌ای بسیار عقب‌مانده، غرق در بحران‌های گوناگون، و پر از تنش‌های متقاطع اجتماعی در طی یک‌صد سال اخیر شکل بگیرد.

این فضا در بیش‌تر بخش‌های خاورمیانه کمابیش وجود دارد، ولی علت اصلی‌ای که منطقه شامات (سوریه و عراق) را مستعد ظهور داعش کرد جامعه‌شناختی است. در واقع، تنش اصلی این منطقه، حتی هنگام تسلط عثمانی، شکاف قومیتی میان چهار قوم غالب یعنی ترک‌ها، کردها، اقوام سنی عرب، و اقوام شیعه عرب است. چنان‌که می‌بینیم، تنش مذهبی به این تنش قومی اضافه شده و به‌صورت متقاطع، بار تنش را افزوده و جامعه را در وضع «نبود صلح درون» قرار داده است. دموکراسی، به‌عنوان داروی اصلی این وضعیت، پیش‌نهاد شده است، اما با افزوده‌شدن تنش‌های سیاسی حاصل از حکومت نظامیان و کودتاچیان این نوش‌دارو نیز به شوکرانی بسیار تلخ در دهان جامعه پرتنش و آشوب‌زده شامات تبدیل شده و زمینه را برای بحرانی تمام‌عیار آماده ساخته است.

در این جاست که ژئوپلتیک، یعنی جغرافیای سیاسی منطقه، به‌عنوان آخرین حلقه این پازل، نقش ایفا می‌کند و زمینه را برای بارگیری بحران‌ها، صف‌کشی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، درگیری دولت‌های همسایه، یارگیری چهار قوم و دو مذهب فراگیر در منطقه، و کشیده‌شدن پای تروریست‌های بین‌المللی به منطقه مهیا می‌کند. هرچند باید متذکر شویم که ژئوپلتیک به‌عنوان بستر (context) نیز عمل می‌کند و تنش‌هایی که در بالا ذکر شده‌اند در بستر آن جای‌گزین و نهادینه شده‌اند. به‌عبارتی، حلقه اول پازل معماگون منطقه شامات نیز

همان ژئوپلیتیکِ ملت‌ه‌ب و مهیای تنش‌های گوناگون اجتماعی، عقیدتی، سیاسی، و نظامی است که با افزوده‌شدن تنش بین‌المللی و منطقه‌ای به آن جغرافیای سیاسی بی‌ثبات و ناپایداری به‌وجود آورده است.

در این‌جا، نباید اهمیت نظریه‌های جغرافیایی، به‌ویژه جغرافیای آب، را در شکل‌گیری ژئوپلیتیک منطقه از نظر دور داشت. این نظریه به طیف‌های مختلفی تقسیم می‌شود و براساس تأثیر آب بر زیست‌بوم و اقتصاد و کشاورزی یا نوع استفاده‌ی داعش از آب یا مخالفتش به دو دسته کلی قابل‌تقسیم است: دسته نخست پژوهش‌هایی از این دست را طرح می‌کنند که از میان‌رفتن منابع آبی در طی سده بیستم و نبود دولت‌های کارآمدی که کشاورزی را با توجه به خشک‌سالی‌های مداوم و بالا رفتن دمای هوا سامان دهد به فراهم آمدن زمینه اقتصادی و فرهنگی ظهور داعش کمک کرد. به عبارت دیگر، اندک‌اندک فرهنگ بومی بر اثر فقر و بی‌ثباتی رو به زوال رفت و بی‌سامانی اقتصاد و جنگ‌های پی‌درپی زمینه را برای جای‌گرفتن گروه‌های تندرو در شامات فراهم آورد (صادقی و میرشکاران ۱۳۹۷: ۱۸-۳۴؛ Denselow 2015)؛ دسته دوم نظریه‌های جغرافیایی درباره چگونگی استفاده داعش از آب و محصولات کشاورزی برای بقا و دوام خود، فشار بر دشمنان، و حتی آلوده کردن رودخانه‌های بزرگی چون فرات به سموم بیولوژیک سخن گفته‌اند (ویشوانات ۱۳۹۶؛ Jaafara and Woertz 2016: 14-25; Herriman 2016).

#### ۲.۲.۴ مقایسه نظریه‌های برجسته درباره داعش

یکی از نمونه‌های برجسته نظری در این زمینه مقاله‌ای است که اخیراً دکتر محمود سریع‌القلم، با عنوان «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، به‌نگارش درآورده و در آن، ضمن تقسیم‌بندی کشورهای خاورمیانه‌ای به کشورهایی با محوریت اقتصاد (کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و کشورهای چوون ترکیه و آذربایجان) و کشورهایی با محوریت امنیت (ایران، پاکستان، عربستان، افغانستان، عراق، سوریه، و ...)، بر این باور است که آینده هر کشوری در خاورمیانه در گرو آن است که در محیط امنیتی آمریکا قرار بگیرد یا خیر؟ او بر این باور است که کشور ایران، برای این‌که هزینه‌های تقابل با محیط امنیتی آمریکا را نپردازد، باید به محیط اقتصادی اروپا و ژاپن به‌عنوان طبیعی‌ترین و ژئوپلیتیک‌ترین متحد برای کشور ما بپیوندد. این تحلیل همانند بسیاری دیگر از تحلیل‌های عمیق نظری معتقد است که ایران و محیط کلی خاورمیانه به‌سوی امنیتی‌شدن صرف پیش می‌رود و اگر کشوری خود را از این مهلکه نجات ندهد، فضای امنیتی بر او حاکم خواهد شد که

درآمدهای آن کشور را صرفاً برای تأمین امنیت هزینه خواهد کرد و فرایند توسعه در آن متوقف یا بسیار کند خواهد شد (نمونه موردی، پاکستان) و در نتیجه آن کشور فقیر می‌شود (سریع‌القلم ۱۳۹۵: ۱۰۱-۱۳۹).

قدیر نصری در نقدی که بر کتاب *داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی* نوشته، بیش از هر چیز، خوانشی که بختیارعلی، نویسنده عراقی این کتاب، از ماهیت و چیستی پدیدآمدن داعش کرده است توجهش را جلب کرده است. خوانشی که بختیارعلی از داعش داشته این بوده که آن را زائده طبیعی نظام سرمایه‌داری و اتفاقی تکراری در تاریخ سرمایه‌داری دانسته است. به نظر بختیارعلی، رویدادهایی چون داعش در یک‌صد سال اخیر در تاریخ جهان سرمایه‌داری از سوی صدام حسین، القاعده، و حتی جنبش‌های ملی‌گرای غیرمسلمان روی داده‌اند و پس‌ازاین نیز روی خواهند داد. نگاه او از این جهت مهم است که به‌عنوان مشاهده‌گری از درون توانسته است واقعیت‌هایی از داعش را در سرزمین خود ببیند که برای مشاهده‌گر بیرونی قابل تصور نیست. او بدین وسیله داعش را آن‌گونه‌که واقعاً بود به تصویر می‌کشد و بر این اساس داعش را نه براساس حجم خشونت‌های که رسانه‌ای کرد بلکه براساس واقعیتی که از درونش برآمد به تصویر می‌کشد. بدین‌سان، به‌باور او، خشونت داعش بازتاب ترسی عظیمی است که از «دیگری» (other) و «غیر» دارد و هم‌چون هر هویت‌گرای فاشیست دیگر خواهان از میان‌بردن «دیگری»ها و «غیریت»هاست (نصری ۱۳۹۷: ۲۹۳-۳۰۷).

مقاله «چهارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش» از پژوهش‌های نظری است که با نقد نظریه‌های موجود روابط بین‌الملل، که برپایه واقع‌گرایی شکل گرفته‌اند، می‌کوشد. مبنای نظری بومی‌تری برای تحلیل داعش به‌دست دهد (امینیان و زمانی ۱۳۹۵: ۱-۲۴)، که متأسفانه جای چنین نگرش‌های نظری در کتاب خالی است.

در کتاب *کالبدشکافی داعش*، به‌ویژه فصل آخر آن که برای تحلیل وضعیت ایران در برابر داعش نوشته شده است، مطلقاً با چنین بنیاد نظری‌ای روبه‌رو نیستیم و گویا نویسنده فارغ از نظریه به نگاشتن فصل پرداخته است و درباره جایگاه امنیتی ایران نظر مشخصی ندارد و حتی رو به سوی تأیید و تفسیر امنیتی از سیاست خارجی ایران دارد.

اثر دیگری که در مخالفت نظری با کتاب یادشده، ولی با رویکرد تحلیل امنیتی‌شدن جایگاه ایران به‌دلیل نوع رابطه‌اش با آمریکا، نوشته شده است مجموعه مقالات و مصاحبه‌های دکتر هوشنگ امیراحمدی، استاد دانشگاه راتگرز نیوجرسی، است که بیش‌تر با نگاه به تحریم‌های آمریکا علیه ایران و مخالفت با چگونگی اجرا و به‌کارگیری توافق برجام

نوشته شده است و ضمن این‌که گرایش‌ها را درست نیرومندی در آن‌ها به چشم می‌خورد تحلیل‌های موردی قابل توجهی درباره سیاست خارجی ایران در قبال سوریه و عراق و جنگ شامات به دست می‌دهد. امیراحمدی می‌گوید که اگر جمهوری اسلامی ایران وارد تعاملی اقتصادی با ایالات متحده آمریکا شود و از فضای سیاست خارجی امنیتی در قبال هژمون برتر خارج شود، قادر خواهد بود اولویت‌های سیاست خارجی خود را در منطقه و فضای بین‌الملل پیش ببرد؛ در غیر این صورت، قربانی‌ای هزینه‌پرداز خواهد شد. لذا، او سیاست خارجی دولت روحانی و شخص محمدجواد ظریف را به شدت نقد کرده و معتقد است بدنه سیاست خارجی ایران برای مقابله با ترامپ باید تاجر، نظامی، و معامله‌گر باشد، نه دیپلمات (هم‌چون ظریف) (امیراحمدی ۱۳۹۶ الف؛ امیراحمدی ۱۳۹۶ ب).

بدین‌سان، رویکرد امیراحمدی به سیاست خارجی ایران در بحران‌هایی چون جنگ در عراق و سوریه پیش‌نهاد رویکردهای نظامی و اقتصادی است؛ برای این‌که ایران به جای تقابل با هژمون جهانی در صف بهره‌بردار از سیاست‌های هژمونیک نظام بین‌الملل در فضایی برآشفته برآید.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، در برنامه خود به مجلس شورای اسلامی در مرداد ۱۳۹۶، اصلی‌ترین ظرفیت ایران در خاورمیانه را اتکا بر نظام مردم‌سالاری دینی و مهم‌ترین تهدید را چالش‌های امنیتی برآمده از خشونت، افراط‌گرایی، و حضور قدرت‌های خارجی در منطقه می‌داند. او عصر جدید پساغربی را متکثر و متکی بر روابط بین‌منطقه‌ای (منطقه‌گرایی در نظریه روابط بین‌الملل) می‌داند که ویژگی‌های آن بدین‌قرارند:

- گرایش به رفتارهای جمعی و چندجانبه؛
- ائتلاف‌های موقتی و مقطعی؛
- رویکرد «همکاری و رقابت» که جای «تقابل یا همکاری بی‌قید و شرط» را گرفته است.

اصلی‌ترین راه‌برد دوران حاضر به نظر او، به دلیل درهم‌ریختن نظم جهانی و چالش جای‌گزینی نظم نوین، حفظ ثبات و امنیت است. گریز از بازی‌های با حاصل جمع صفر روش بهینه سیاست خارجی در محیط بحران‌زده خاورمیانه کنونی از نظر اوست (ظریف ۱۳۹۶: ۱۰-۱۴). بدین‌سان، رویکرد ظریف به بحران سوریه، به‌عنوان اصلی‌ترین تنش منطقه‌ای، چیدن آن در صفحه بازی برد-بردی است که با ابزارهایی چون تکیه بر توان‌مندی‌های سیستمی داخلی (هم‌چون نظم، ثبات، مشروعیت) تنش‌زدایی، به‌ویژه از طریق تقویت همکاری با همسایگان و یارگیری از قدرت‌های منطقه‌ای و استفاده از (به‌جای تقابل با) قدرت‌های جهانی و هژمون، به دست می‌آید.

همه نظریه‌هایی که ذکر کردیم این نکته را القا می‌کنند که نویسنده کتاب کالبدشکافی داعش در فضای ذهنی فارغ از نظریه به بحث درباره «ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها»ی داعش پرداخته است.

## ۵. ارزیابی نهایی اثر

کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها کتابی پرتیر است که به صورت گزارشی و براساس شنیده‌ها و داده‌های عموماً روزنامه‌نگارانه نوشته شده است و اگر از کتب مستند و مقالات علمی - پژوهشی عموماً فارسی استفاده کرده، تأملی در آن‌ها کرده است. شاید این اثر را بتوان با انبوه آثار داده‌محور و غیرتحلیلی و دقیق مانند آینده‌پژوهی اهداف ائتلاف ضد داعش با تکنیک فراتحلیل شبکه‌ای مقایسه کرد که آن را پنج نویسنده نوشته‌اند و با استفاده از نرم‌افزاری، داده‌های آزمون‌نشده‌ای را با محوریت عنوان مقاله سنجیده و به فرضیه نادرستی دست یافته‌اند (جمشیدی و دیگران ۱۳۹۴: ۲۷-۳۹).

استفاده از رویکرد چندوجهی می‌توانست به غنای بیش‌تر کتاب کمک کند. برای نمونه، رویکرد حقوق بین‌الملل به بحران شامات (طباطبایی و شارق ۱۳۹۵: ۱۷۹-۲۰۱) یا نگاه اقتصادی به جنگ سوریه (پوراحمدی و عباسی ۱۳۹۴: ۹۱-۱۱۳) یا اشاره به عوامل واگرایی در خاورمیانه که زمینه‌ساز جنگ شده است (پوراحمدی و عباسی ۱۳۹۴: ۱۰۳) و نگرش روان‌شناختی و جغرافیایی به این موضوع بر غنای بحث، باتوجه‌به عنوان جامع آن، می‌افزود.

پرسش‌های زیادی درباره ماهیت داعش وجود دارد که در این اثر یا آثار دیگر هنوز پاسخ تحلیلی به آن داده نشده است، مثلاً این‌که چگونه شهر موصل که شهری میلیونی است در عرض چند ماه و به راحتی تصرف شد؟ و بعد به راحتی بازپس گرفته شد؟ هم‌چنین، صرف‌نظر کردن از اطلاعات و واقعیت‌هایی چند مانند نقش بنیادین روسیه و رقابت آشکارش با آمریکا در کش آمدن و به‌بست رسیدن بحران سوریه یکی از نقدهای اساسی به رویکرد جهت‌دار کتاب است (برای نمونه، بنگرید به بصیری و دیگران ۱۳۹۵: ۶۳).

در مجموع، باتوجه‌به شکل و محتوای اثر، باید گفت که شاید این کتاب، باتوجه‌به تلاشی که برای گردآوری اطلاعات جامعه کرده است، بتواند اثری فراگیر برای مطالعه‌ای مقدماتی درباره داعش باشد، اما هنوز جای مطالعات عمیق و تحلیلی جامعه‌شناختی و مبتنی بر اقتصاد سیاسی و حتی حقوقی - فقهی درباره داعش خالی است و انتظار می‌رود

کتب و پژوهش‌هایی که در آینده تهیه می‌شوند با صرف زمان، بودجه، و تخصص بیش‌تر مطالعه‌موردی و زمینه‌ای متناسبی از ماهیت داعش به‌دست دهند.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدها، نوشته سیدعلی نجات، را بررسی کردیم و در خوانشی نقدگونه به فرازوفرود این کتاب پرداختیم. این اثر به‌سبکی روایی، در نُه فصل، و یک نتیجه‌گیری کوتاه کوشیده است توصیف و روایتی از ویژگی‌های صوری جریان داعش به‌دست دهد. در این مقاله، ضمن معرفی و توصیف اثر، به نقد شکلی آن و در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی به نقد محتوای فصول کتاب و تبیین یکی از اصلی‌ترین مشکلات آن، یعنی نبود بنیاد نظری، پرداختیم. در بخش ارزیابی نهایی نیز، ضمن بیان جای‌گزین‌های موجود برای بهبود کتاب، برخی پیش‌نهادها را برای آثار بعدی با این موضوع و روش مطرح کردیم.

با ارزیابی شکلی، به‌نظر می‌رسد این کتاب دارای مشکلات تاپیی و دستوری و برخی گنگ‌بودگی‌های مفهومی است. ویراستاران فنی و ادبی علائم سجاوندی و قواعد نگارشی - ویرایشی را تا حد قابل‌قبولی رعایت کرده‌اند، اما اگر بادقت به متن بنگریم، اشکالات نسبتاً زیادی، به‌ویژه در زمینه فارسی‌نویسی، خواهیم یافت. تقریباً همه متن نیاز به فارسی‌نویسی دوباره و پیراستن کلمات عربی، که برابر واژگان فارسی آن‌ها پرکاربرد است، دارد.

تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر بیان می‌دارد که اولاً نویسنده در طی فصول کتاب می‌خواهد از همه جزئیات داعش سخن بگوید: ماهیت این گروه را از نظر دینی و فلسفی بررسی کند؛ ساختار تشکیلاتی، رهبران، و راه‌بردهایش را بازگوید؛ و اهداف گروه، به‌اضافه پی‌آمدهای نظری و عملیاتی‌اش، را در منطقه و جهان مورد‌کندوکاو قرار دهد و این‌همه را در دو‌یست و اندی صفحه با مراجعه به منابع اینترنتی گرد آورده است. اگر فقط ماهیت دینی و فلسفی داعش را مدنظر قرار دهیم، باید اثر وزینی به‌روش کتاب‌خانه‌ای و اسنادی با مراجعه به منابع ثقیل تاریخی آماده کنیم؛ اگر تاریخچه این گروه را بررسی کنیم، تاریخ معاصر خاورمیانه را باید بازگویم؛ و ...؛ چندین کار پژوهشی مفصل موردنیاز است.

نبود بنیاد نظری اساسی‌ترین مشکل کتاب کالبدشکافی داعش: ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها، و پی‌آمدهاست؛ نویسنده بدون هیچ بنیاد نظری مشخصی به

کالبدشکافی و ماهیت‌شناسی داعش پرداخته است و همین امر از عمق و غنای کتاب می‌کاهد. ما بر این باوریم که اگر نویسنده به نظریات مطرح در این باره می‌پرداخت، به‌طور قطع، اثر چهارچوب‌مندی را ارائه می‌کرد که دارای مبانی تحلیلی نظری و دورنمای روش‌مندی باشد. نبود بنیاد نظری موجب شده است نویسنده نتواند از موضوع امنیت فراتر رود و به موضوع چون مسئله‌ای فرامینتی و فراعقیدتی بنگرد و مثلاً مبانی جامعه‌شناختی یا جغرافیای آب را مدنظر داشته باشد.

در این مقاله، هم‌چنین چندین نظریه برجسته که را برای مطالعه داعش مطرح یا به‌کار برده می‌شود مطرح کردیم تا مشخص شود امکان تبیین موضوع با نظریه‌های مختلف وجود دارد و اتفاقاً تبیین‌های دست‌بالایی هم بدین طریق ممکن است. در پایان و در ارزیابی نهایی اثر، مجموعه نکات مثبت و منفی اثر را بازگفتیم.

## کتاب‌نامه

- امیراحمدی، هوشنگ (۱۱ مرداد ۱۳۹۶ الف)، «افشای پشت پرده تحریم‌های آمریکا علیه ایران؛ پیش‌نهاد تشکیل دولت اقتصادی - نظامی به روحانی»، سایت انتخاب‌خبر.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۵ مرداد ۱۳۹۶ ب)، «بررسی اولویت‌ها، چالش‌ها، و راه‌کارهای سیاست خارجی در دولت دوازدهم»، سایت انتخاب‌خبر.
- امینان، بهادر و س. حسام‌الدین زمانی (۱۳۹۵)، «چهارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا، ش ۲۶، بهار.
- بصری، محمدعلی، زهرا آقامحمدی، و احسان فلاحی (۱۳۹۵)، «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا، مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۱۹، پاییز.
- پوراحمدی، حسین و بهرام عباسی (۱۳۹۴)، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ظهور و کارکرد داعش در خاورمیانه»، فصل‌نامه ره‌یافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۷، ش ۱، پاییز.
- جمشیدی، م. ر. و دیگران (۱۳۹۴)، «آینده‌پژوهی اهداف ائتلاف ضد داعش با تکنیک فراتحلیل شبکه‌ای»، فصل‌نامه آینده‌پژوهی مدیریت، س ۲۶، ش ۱۰۳، پاییز.
- حسینی، سیده‌مطهره (۳۰ آبان ۱۳۹۳)، «اتباع اوراسیایی داعش»، سایت مؤسسه مطالعات بین‌المللی صلح: <http://peace-ipsc.org/fa>.
- خبرگزاری تسنیم (۱۷ آذر ۱۳۹۴)، «تعداد تروریست‌های خارجی در سوریه دو برابر شده است»: [www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/17/937724](http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/17/937724).
- خبرگزاری تسنیم (۹ اردیبهشت ۱۳۹۶)، «آخرین آمار گروه‌های تروریستی در سوریه؛ تعداد، ملیت، و منابع مالی»: [www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/09/1370205](http://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/09/1370205).



تأملی انتقادی در صورت‌بندی، محتوا، و نظریه‌مندی ... (سیده مطهره حسینی و دیگران) ۷۱

خبرگزاری مهر (۱ مهر ۱۳۹۲)، «آمار تروریست‌های عرب غیرسوری که در جنگ سوریه به‌هلاکت رسیده‌اند»: <[www.yjc.ir/00J9V3](http://www.yjc.ir/00J9V3)>.

زلین، آرون وای (۱۷ فروردین ۱۳۹۲)، «چه تعداد تروریست خارجی در کنار تروریست‌های سوری در سوریه به‌سر می‌برند؟»: <[www.yjc.ir/00I9n1](http://www.yjc.ir/00I9n1)>.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۱۲، ش ۱، زمستان.

سمیعی اصفهانی، علی‌رضا و ایمان شریف‌یلمه (۱۳۹۵)، «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، ش ۲، تابستان.

صادقی، علی و یحیی میرشکاران (۱۳۹۷)، «تحلیل زمینه‌های جغرافیایی و اجتماعی شکل‌گیری و گسترش بنیادگرایی اسلامی، مطالعه موردی: جریان تکفیری داعش»، فصل‌نامه پویا در آموزش علوم انسانی، دوره ۳، ش ۱۰، بهار.

صیدی، محمد (۱۲ آذر ۱۳۹۳)، «قارچ سمی داعش چگونه رشد کرد؛ راهی که ریش‌قرمزهای چچنی برای رسیدن به عراق و سوریه طی کردند»: <[www.yjc.ir/fa/news/5031350](http://www.yjc.ir/fa/news/5031350)>.

طباطبایی، سیداحمد و زهراسادات شارق (۱۳۹۵)، «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه»، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ش ۱، بهار.

ظریف، محمدجواد (۱۳۹۶)، «برنامه جناب آقای دکتر محمدجواد ظریف، وزیر پیش‌نهادی وزارت امور خارجه».

مشرق‌نیوز (۸ آذر ۱۳۹۴)، «داعش در آسیای مرکزی به‌دنبال چیست؟»: <[mshrgh.ir/440938](http://mshrgh.ir/440938)>.

مشرق‌نیوز (۲ آذر ۱۳۹۲)، «معرفی خطرناک‌ترین گروه‌های آدم‌کش در سوریه»: <[mshrgh.ir/266613](http://mshrgh.ir/266613)>.

نجات، سیدعلی (۱۳۹۶)، کالبدشکافی داعش؛ ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راه‌بردها و پی‌آمدها، تهران: ابرار معاصر.

نصری، قدیر (۱۳۹۷)، «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی: تأملی انتقادی در روش، محتوا، و مدعای اثر»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۸، ش ۶، شهریور.

نظری، علی‌اشرف و شهره پیرانی (۱۳۹۶)، «نظریه هویت اجتماعی و بازنمایی کنش هویتی داعش»، فصل‌نامه مطالعات ملی، دوره ۷۰، س ۱۸، ش ۲.

ویشواناث، امبیکا (۱۳۹۶)، «داعش و آب بلای جان عراق»، ۵ شهریور:

<<https://fa.alkawthartv.com/news/90172>>.

Denselow, James (April 26 2015), "Euphrates: River of Hope or Hate", *Aljazeera*, <[www.aljazeera.com/opinions/2015/4/26/euphrates-river-of-hope-or-hate/](http://www.aljazeera.com/opinions/2015/4/26/euphrates-river-of-hope-or-hate/)>.

Eliasson, Jan (December 29 2014), "The Rising Pressure of Global Water Shortages", *Nature Research*, <[www.nature.com/news/the-rising-pressure-of-global-water-shortages-1.16622](http://www.nature.com/news/the-rising-pressure-of-global-water-shortages-1.16622)>.

- Haines, John R (2014) "The Inseparable Twins: Diaspora Shishan and Chechen Muwahhidun & Jihadis in al-Sham":  
<[www.css.ethz.ch/en/services/digital-library/publications/publication.html/185693](http://www.css.ethz.ch/en/services/digital-library/publications/publication.html/185693)>.
- Herriman, Robert (2016), "ISIS and Bioterrorism: Tularemia Planned use in Turkey's Water", January 21, *Out Break News Today*:  
<[outbreaknewstoday.com/isis-and-bioterrorism-tularemia-planned-use-in-turkeys-water-67823/](http://outbreaknewstoday.com/isis-and-bioterrorism-tularemia-planned-use-in-turkeys-water-67823/)>.
- Ingram, Haroro J. (2016), "An Analysis of Islamic State's Dabiq magazine", *Australian Journal of Political Science*, vol. 13, June.
- Jaafara, Hadi H. and Eckart Woertz (2016), "Agriculture as a Funding Source of ISIS: A GIS and Remote Sensing Analysis", *Journal of Food Policy*, vol. 64, October.
- Jones, Sidney (August 6 2014), "Southeast Asia Supplying Jihadists to Middle East?":  
<[www.asiasentinel.com/p/southeast-asia-supplying-jihadists-middle-east](http://www.asiasentinel.com/p/southeast-asia-supplying-jihadists-middle-east/)>.
- Malinowski, Bronislaw (1961), *A Scientific Theory of Culture and Other Essays*, New York: Oxford University Press.
- Mearsheimer, John J. (2006), *Structural Realism*:  
<<http://mearsheimer.uchicago.edu/pdfs/StructuralRealism.pdf>>.
- Toft, Peter (2005), "John J Mearsheimer: An Offensive Realist between Geopolitics and Power", *Journal of International Relations and Development*, vol. 8, Issue 4.